

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئولیت اصحاب رسانه در قبال قضیه فلسطین

(ترجمه)

ما در رسانه‌ها شاهد پوشش کامل تجاوزات یهودیان و ترورهای مردم فلسطین از جمله آنچه اخیراً در جنین و اردوگاه آن رخ داده، هستیم. اما در جریان این پوشش رسانه‌ای از تحلیلگران، تبصره‌کنندگان و سیاستمدارانی که به خاطر این رویدادها میزبان آن‌ها هستند، ندیدیم و نشنیدیم که در مورد راه‌حل ریشه‌ای مسئله فلسطین اظهار نظر کنند.

بزرگ و کوچک در امت ما آرزو و حتی اراده آزادی فلسطین را دارند؛ پس چرا رسانه‌ها این راه‌حل را نادیده می‌گیرند؟! بلکه هنگام صحبت در مورد مسئله فلسطین حتی کلمه "آزادی" را نادیده می‌گیرند و از نقش ارتش‌های امت در حل این موضوع صرف نظر می‌کنند؛ در حالی که پوشش رسانه‌ای مثلاً درباره اوکراین پر از صحبت‌های حمایت از اوکراین با تسلیحات، هواپیماها، موشک‌ها و پهپادهاست که منجر به تهدید هسته‌ای و نیاز به آزادسازی تمام اراضی اوکراین و احیای کریمه می‌شود! در حالی که دایره واژگان رسانه‌ها هنگام پوشش وقایع فلسطین از گفتگو و تقبیح بیرون نمی‌شود، موضوع را تنها به مردم فلسطین محدود می‌کند و خواستار راه‌حل دوکشوری است و گزینه‌های آزادی و اخراج اشغالگران از سرزمین ما به عنوان یک گزینه واقعی و مشروع ظاهر نمی‌شود!

آنچه از دست‌اندرکاران رسانه تقاضا می‌رود، صرفاً انجام وظیفه و هماهنگی با خودشان است؛ زیرا آن‌ها بخشی از امت خود هستند که باید خود را با قضایای آن هماهنگ کنند و آن‌ها را به گونه‌ای بیان نمایند که در خدمت وحدت، نهضت و مبارزه آن در برابر دشمنانش باشد. قضیه فلسطین نقطه عطفی در قضایای مسلمین است؛ قضیه‌ای که غیر از آزادی کامل آن، راه‌حل دیگری ندارد.

دور و نزدیک، پیر و جوان کاملاً می‌دانند که آنچه مانع آزادی آن می‌شود و امت اسلامی و سپاهیان را از جهاد در راه الله سبحانه و تعالی برای ریشه‌کن کردن یهودیت از ریشه باز می‌دارد، حاکمان و نظام‌های مطیع آمریکا و انگلیس هستند. برای اهل رسانه بر اساس مطالعات رسانه‌ای شان حجم دسیسه بر اهل فلسطین پوشیده نیست و این اعمال هدفمندانه برای جدا کردن آن از اسلام و امت اسلامی و وابسته ساختن آن به قطعنامه‌های بین‌المللی و ابتکارات منطقه‌ای است که اشغالگری را تداوم و حفاظت می‌کند و صحبت از آزادی با این منظومه حاکمان مزدور و استعمارگران پشت سر آن‌ها تصادم می‌کند و موجودیت و نقشه‌های آن‌ها را تهدید می‌نماید. بنابراین، سعی می‌کنند آن را از پوشش رسانه‌ای حذف نمایند.

کلمه آزادی در پوشش رسانه‌ای برای قضیه سرزمین مبارک غایب است و به ندرت ذکر می‌شود؛ همانطور که نصرت‌دهی لشکریان امت و حمل مسئولیت آزادی سرزمین مبارک توسط آن‌ها غایب است، این غیابت فرق نمی‌کند که با یاری‌ندادن کسانی باشد که خواهان این راه‌حل مشروع هستند و یا با پوشاندن و پنهان کردن و نادیده گرفتن حرکت‌های که این راه‌حل را می‌طلبند تا جایگزین راه‌حل‌های گردد که ضامن انبوه نظام‌ها و راه‌حل‌های استعماری گردد که رژیم یهود را ثابت نگهدارد موجودیت و امنیت آن را تضمین کند.

هرگونه صحبت از راه‌حلی غیر از آزادی سرزمین مبارک، طولانی شدن عمر اشغال و ناچیز جلوه دادن قضیه و ترویج راه‌حل‌های ننگین تسلیم مانند و رسواکننده است؛ مانند مداخله بین‌المللی، شورای امنیت و نیروهای بین‌المللی و ترویج آن‌ها به عنوان مرهم درمانی برای مردم فلسطین می‌باشد. در مقابل از رسانه‌ها می‌خواهند تا جلوی هر صدایی را بگیرند که آرامش پروژه‌های آن‌ها را مختل یا برنامه‌های‌شان را خراب می‌سازد.

رسانه‌های رسمی مجدانه تلاش می‌کنند تا از رسیدن هرگونه صدا و تماسی که از راه‌حل واقعی مسئله فلسطین صحبت می‌کند، جلوگیری کنند. رژیم‌های مزدور غربی می‌خواهند رسانه‌ها به صدا و تریبیونی برای هر تهمت‌زن و مزدوری تبدیل شود که به زبان غرب و واژگان بدخواهانه آن صحبت کند و از ابزار تسلیم و تفریط استفاده می‌کند.

با آن خطی که اتاق‌های خبر برای رسانه‌های رسمی ترسیم کرده اند و فرهنگ لغات تحمیل شده از سوی رژیم‌ها بر رسانه‌ها دارند، این امر آشکار شده که اصحاب رسانه از پوشش خبری کار حزب التحریر که در آن از محدودیت‌ها و قیودات نظام‌ها و باداران غربی‌شان و لغت‌نامه‌های کینه‌توزانه‌شان خارج می‌شود و از امت اسلامی و ارتش‌های آن برای آزادسازی بیت المقدس طلب نصرت می‌کند، هراس دارند؛ بلکه با توجه به ترس از صحبت از لشکریان مسلمانان و مسئولیت آن‌ها در آزادی سرزمین مبارک، مسئولیت و توانایی آن‌ها برای آزادی برجسته نمی‌شود، بیان مسئولیت آن‌ها در رسانه‌ها ابراز نمی‌گیرد و موضوع گفتگو و بحث در تریبون‌های رسانه‌ای قرار نمی‌گیرد.

به عنوان مثال؛ اکثر رسانه‌ها اقدامات دسته‌جمعی حزب را که در رام‌الله، الخلیل و قلقیلیه رخ داد و از ارتش امت خواستند که برای حمایت از جنین و آزادی فلسطین اقدام فوری انجام دهند، پوشش ندادند و تریبیون‌های آن‌ها از بلندساختن هر صدایی که قطب‌نما را به سمت راه‌حل درستی که منجر به رهایی و نجات از اشغال و جنایات آن گردد، عاجز ماندند!

اصحاب رسانه بخشی از امت و فرزندان آن هستند؛ تنها وابستگی آن‌ها باید به امت و قضایای آن باشد و وظیفه‌شان این است که هر زمزمه یا صدایی را که حقیقت را اعلام می‌کند و مرهمی بر زخم می‌گذارد، برسانند. هر مزدوری را که پروژه‌های استعماری و تداوم اشغال را با کلمات و عبارات آراسته آغشته به زهر و خیانت ترویج می‌کند، دفن کنند.

اصحاب رسانه باید بدانند که آینده متعلق به امت و اسلام است و استعمار حتی اگر ادعای خلاف این را داشته باشد، بازهم آخرین روزهای خود را می‌شمارد. به زودی رخت سفر خواهند بست و همه مزدوران و عوامل و پیروانش نیز خواهند رفت! جای نشستن در هواپیماهای استعمارگران - که همه کشورهای ما را ترک خواهند کرد- برای‌شان نخواهد بود؛ همانطور که افغانستان را با ناامیدی و شکست ترک کردند.

بنابراین، بر آنان لازم است تا طریق نهضت امت را ببینند؛ همانطور که بسیاری آن را دیده‌اند و در کنار امت شان و مخلصین آن قرار گیرند. این حق است؛ چه چیزی بعد از حق وجود دارد؛ جز گمراهی!

برگرفته از شماره 454 جریده الرایه

نویسنده: د. مصعب أبو عرقوب

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-سرزمین مبارک فلسطین

مترجم: احمد صادق امين